

## معناشناسی وحدت در قرآن و بازشناسی ارتباط آن با بیداری اسلامی

نجمیه گراوند (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

مهدی اکبرنژاد<sup>۲</sup>

### چکیده

وحدت اسلامی یکی از مسائل بسیار مهم و درعین حال حساسی است که بالاخص در جهان اسلام حائز اهمیت است. با توجه به این که طرح یک موضوع، قبل از هر چیز نیازمند شفاف‌سازی درباره معناشناسی موضوع و بیان گستره آن است، این پژوهش درصدد است تا با روش اسنادی- کتابخانه‌ای و با پیمایش مراحل سه‌گانه توصیف، تحلیل و تبیین، واژه «وحدت» در قرآن کریم را مورد واکاوی قرار دهد و از سوی دیگر به دلیل تأثیرات متقابلی که بین وحدت و «بیداری» اسلامی وجود دارد، به کشف رابطه معناشناختی بین آن دو نیز بپردازد. بنابراین ضمن اینکه بازشناسی معنای لغوی و اصطلاحی واژه وحدت ارتباط مفهومی این واژه با واژگان «هم‌نشین» و «جانشین» و ارتباط سازمان‌یافته آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفته، با استفاده از «قاعده سیاق» و دقت در مقتضیات آیات، چگونگی کاربرد واژه وحدت در سراسر قرآن کریم تبیین گردیده است. یکی از نتایج مهم این بررسی توصیفی، آشکار شدن پیوند معنایی عمیق وحدت با سایر واژگان هم‌حوزه در قرآن و بالاخص با بیداری اسلامی است. واژگان کلیدی: وحدت، بیداری اسلامی، معناشناسی، مصداق، واژگان هم‌نشین، واژگان جانشین.

na\_gervand@yahoo.com

ORCID: 0000000217527971

m\_akbarnejad@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

۲. دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

## بیان مسأله

زبان‌شناسان، «زبان‌شناسی»<sup>۱</sup> را مطالعه علمی زبان تعریف کرده‌اند (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۳۳). «معناشناسی» نیز یکی از زیرشاخه‌های علم زبان‌شناسی محسوب می‌گردد؛ از منظر زبان‌شناسی، معناشناسی دانشی است که به بررسی معنا می‌پردازد یا شاخه‌ای است که به بررسی شرایط لازم در رمز می‌پردازد تا قادر به حمل معنا باشد (مختار عمر، ۱۳۸۵: ۱۹؛ پالمر، ۱۳۶۶: ۱۳). زبان‌شناسی دین از کلیدی‌ترین بحث‌هایی است که امروزه هم فیلسوفان دین و هم متکلمان و دینداران بدان دل‌مشغولی پیدا کرده‌اند. به‌طورکلی، زبان از جمله مسائلی است که خصوصاً در سدهٔ کنونی، ذهن پژوهشگران را به خود معطوف ساخته است (فراستخواه، ۱۳۷۶، ۹). به نظر می‌رسد رگه‌های معناشناسی الفاظ قرآن کریم را باید به زمان پیامبر اکرم (ص) بازگرداند. چرا که بخشی از معناشناسی به اشتراکات لفظی در قرآن مربوط می‌شود. و لذا تلاش قرآن‌پژوهان در باب اشتراك لفظی در قرآن را می‌توان در نگارش واژگان مشترك یا «وجوه و نظایر» عنوان کرد. با توجه به این نکته، بسیاری از لغویان و زبان‌شناسان عرب در عرصهٔ قرآن‌پژوهی به قصد فهم و کشف معانی واژگان قرآن به تلاش‌هایی دست زدند، به‌عنوان نمونه؛ ابو عبد الله عکرمه بن عبد الله المدنی (م ۱۰۵ هـ) و علی بن ابی طلحه (م ۱۴۳ هـ) هرکدام کتابی در «وجوه و نظایر» دارند. ابوالحسن مقاتل بن سلیمان بن بشر ازدی خراسانی (م ۱۵۰ هـ) نیز کتابی به نام «الاشباه والنظائر فی القرآن الکریم» دارد و... (العوا، ۱۳۸۲، ۱۰). بنابراین رگه‌های معناشناسی الفاظ قرآن کریم را می‌توان به سده‌های نخست هجری برگرداند.

در بین زبان‌شناسان متأخر، «ایزسو» مستشرق ژاپنی از روش معناشناسی برای روشن شدن معانی حقیقی و مورد نظر گوینده در مفاهیم و بطون آیات قرآن کریم استفاده کرده است. به عقیده او برای فهم درست و دقیق معنای واژه‌ها باید به بافت و سیاق هم توجه کرد؛ چرا که قرآن کریم یک مجموعه تصادفی و اتفاقی از کلمات بدون نظم و قاعده نمی‌باشد؛ بلکه واژه‌های آن با قرار گرفتن در نظام و شبکه خاص در ارتباط با سایر کلمات، رنگ معناشناختی به خود می‌گیرند که اگر بیرون از آن دستگاه بدون در نظر گرفتن بافت و سیاق آیات لحاظ شوند، هرگز آن معنا را در بر نمی‌گیرند (ایزسو، ۱۳۶۱، ص ۲۵). در بین مفسران شیعی نیز، علامه طباطبایی را می‌توان

از جمله کسانی دانست که به نقش سیاق و وجود شبکه و نظام معنایی بین واژگان هر متن از جمله قرآن کریم پایبند است.

در باب معناشناسی در الفاظ قرآن کریم، باید در نظر داشت که هر چند نزول قرآن در روزگاری خاص واقع شده است؛ اما این موضوع هرگز رنگ عصری بودن را بر محتوای آن نمی‌زند؛ بلکه دریافت پیام فراتاریخی، قاعده‌اساسی در معناشناسی قرآن تلقی می‌گردد. از این رو تحدید مفاد قرآن و عصری کردن معارف آن از سوی يك اندیشمند مسلمان پذیرفتنی نیست (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۳۹۴؛ قرضاوی، ۱۳۸۲: ۳۸۱). بنابراین فهم متن و واژگان قرآن کریم، از مکانیسم و فرایندی خاص عبور می‌کند که بررسی معناشناسی "وحدت" نیز بر طبق همین مکانیسم است؛ بدین صورت که برای آشکار شدن معنا و مفهوم واژه "وحدت" در عصر نزول، مراجعه به بافت کلی قرآن، در رابطه با این واژه لازم و ضروری است. به نظر می‌رسد رویکرد معناشناسانه واژه وحدت در قرآن کریم همچون سایر واژگان، دارای مفهومی بسیار گسترده‌تر از آنچه لغویون درباره این واژه می‌پندارند، است. و این امر را می‌توان با در نظر گرفتن سیاق آیات مجاور با این واژه و نیز با تکیه بر هسته معنایی و مصادیق آن در قرآن کریم و واژه‌هایی که قادر بر جانشینی و هم‌نشینی با آن هستند، اثبات نمود. همچنین با تطبیق دادن مصادیق وحدت و دو حوزه معنایی آن در قرآن با وقایعی که سبب بروز و ظهور بیداری اسلامی در جامعه امروزی گشته است، قرابت معنایی خاصی بین دو واژه وحدت و بیداری اسلامی متصور می‌شود به طوری که با تداعی وحدت در جامعه، بیداری اسلامی در اذهان متجلی می‌شود و بالعکس.

روش تحقیق این مقاله، تلفیقی از روش توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ایست. درباره پیشینه تحقیق نیز لازم به ذکر است که پژوهش‌های بسیاری در زمینه بیداری اسلامی و وحدت؛ چه به صورت مجزا و چه به صورت تبیین ارتباط بین هر دو عبارت صورت گرفته است؛ اما پژوهش حاضر برخلاف تحقیقات صورت گرفته قبلی، اساس کار خود را بر روی معناشناسی واژه «وحدت» در قرآن کریم با استفاده از قاعده معناشناختی ایزتسو قرار داده و سپس با ایجاد ارتباط معنایی بین واژگان "وحدت" و "بیداری اسلامی"، علاوه بر شناسایی هسته معنایی بیداری اسلامی، به گستره و شعاع فراگیر آن پرداخته است.

## ۱. واژه‌شناسی وحدت

وحدت از ریشه «وَحَدَّ» گرفته شده است. وحد به معنای یکی شدن، گرایش و تمایل به یکدیگر، انفراد و تنهایی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۴۸/۳؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۸۱/۳). الاتحاد نیز از همین ریشه است و به معنای گرد آمدن برای هدف معینی است. و اتحاد آراء، به معنای اتفاق آراء است. "وحدت" نیز به معنای همبستگی قوم و اتحاد آنان است. "وَحَدَّةُ الْأُمَّةِ"؛ یعنی اتحاد ملت (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۰).

راغب اصفهانی معتقد است که؛ لفظ "واحد"، لفظی مشترک است که بر شش وجه به کار می‌رود: اول: برای چیزی که در نوع و جنس واحد است و یکیست. دوم: واحدی که از جهت اتصال در خلقت و یا صنعت به دیگر چیزها شناخته می‌شود. سوم: واحدی که برای نظیر و همانند نداشتن واحد گفته می‌شود یا به صورت طبیعی و خلقتی چنین است. چهارم: واحدی که تجزیه‌ناپذیر است؛ یا به خاطر کوچکی آن مثل ذرات گرد و غبار و یا به خاطر سختی آن مثل الماس. پنجم: واحدی که در اصل یکیست؛ یا از نظر عدد؛ مثل عبارت - یکی از آن دو- و یا این که آن واحد- مبدء خط است مثل - نقطه واحد- که در همه این حالات عبارت - وحده- عرضی است نه ذاتی. ششم: و اگر خدای تعالی با این واژه یعنی احد، وصف شود معنایش این است که درباره خداوند داشتن اجزاء و افزونی صحیح نیست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴/۲۶). با توجه به وجوهی که راغب اصفهانی بیان نمودند، معناشناسی "وحدت" که در این پژوهش بررسی می‌شود، از جنبه لغوی؛ مربوط می‌شود به نوع اول. به عبارت دیگر؛ و بر طبق آیه شریفه كَانِ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً (بقره/۲۱۳)؛ وحدت مورد نظر قرآن کریم، وحدتی است که مربوط به نوع انسان می‌شود؛ یعنی همه افراد بشر از حیث جنس و نوع یکسانند و دارای وحدت هستند. تعاریف که از اصطلاح وحدت شده است؛ تا حدود بسیار زیادی به هم نزدیک هستند؛ از قبیل تعاریفی که برای وحدت آمده است، مانند:

- امام خمینی (ره) مسأله وحدت را یک تاکتیک با ابزار مصلحتی جهت پیشبرد اهداف و مقاصد سیاسی انقلاب اسلامی نمی‌دانستند؛ بلکه به اقتضای «عزت و اقتدار مسلمین و ماهیت اجتماعی و سیاسی بودن مکتب اسلام»، بر این اصل اهتمام داشتند. از این رو همواره بر استمرار و گسترش آن به عنوان امری ضروری و حیاتی تأکید نمودند و حتی سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

همچنان که بر ایجاد حفظ مسأله وحدت تلاش کردند، درصدد معرفی و روشن نمودن عوامل ایجاد تفرقه و اختلاف برآمدند. ایشان از جمله مهم‌ترین علت‌های تفرقه را چنین برمی‌شمارند؛ که عبارتند از: توطئه شیاطین، هواهای نفسانی، گروه‌گرایی و جزئی‌نگری. گذشته از حسن ذاتی وحدت، نتایج و اثرات این امر، آنچنان سرنوشت مسلمانان را تغییر می‌دهد که آحاد مسلمین پس از امور اعتقادی، بیش‌ترین وجهه همت خود را در برقراری و حفظ وحدت امت اسلامی قرار می‌دهند (به نقل از: سلیمانی، ۱۳۸۶: ش ۹۴/۲۶). مسلم است که امام خمینی (ره) با ایجاد وحدت در بین اقسام جامعه، موج عظیم بیداری اسلامی را بنا نهادند.

- شهید مطهری در تعریف اصطلاحی وحدت و اتحاد می‌فرماید: منظور از آن، حصر مذاهب به یکی و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد متفرقات آنها نیست؛ چرا که این امر نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی است. بلکه منظور از وحدت، متشکل شدن مسلمین در یک صف، در برابر دشمنان مشترکشان می‌باشد (مطهری، بی تا: ۳۲۲).

- در تعریف دیگری از وحدت آمده است: از نظرگاه قرآن، وحدت و اتحاد یکی از ضروری‌ترین مسائل اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ اما هرگونه وحدت و اتحادی از دیدگاه قرآن، حائز اهمیت نیست؛ بلکه آن «وحدتی» نجات‌بخش و عالی به‌شمار می‌رود که براساس اخوت و دوستی<sup>۱</sup> استوار گردد، در غیراین صورت، همکاری و اتحاد مبنی بر چپ‌روی و انحراف و دشمنی باشد،<sup>۲</sup> هرگز قرآن چنین اتحادی را نپذیرفته و بل به شدت از آن نهی می‌نماید (ربانی گلپایگانی، ۱۳۵۸، ش ۸: ۶۹).

- وحدت در اسلام و جامعه اسلامی یک اصل به‌شمار می‌آید؛ یعنی مبنا و معیاری علمی و عملی شمرده می‌شود که چگونگی تعامل افراد را با موارد

۱. بر طبق آیات ۱۰ و ۱۳ سوره حجرات: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ \* يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.

۲. بر طبق آیه ۲ سوره مائده: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ.

اختلاف علمی، فکری، سیاسی و اقتصادی مشخص می‌سازد. وحدت، به معنای محو نمودن اختلاف و رأی و اجتهاد مخالف نیست؛ زیرا چنین چیزی غیرممکن و ناصحیح است؛ اما باید تعامل با موارد اختلاف علمی و عملی و سیاسی میان مسلمین با روشی علمی و عملی باشد. بنابراین وحدت، روش‌شناسی علمی و عملی برای نوع برخورد با موارد اختلافی میان مسلمین است. (آصفی، ۱۳۸۶: ش ۱۸/۱۲).

- وحدت و رفع اختلاف به معنای نفی تفاوت‌ها نیست؛ بلکه با وجود تفاوت‌ها می‌توان به تفاهم و وحدت رسید. و در واقع اولین مانع وحدت‌گرایی، گرایش‌های سودجویانه و نفسانیات است؛ نه اندیشه‌ها و تفاوت‌های فکری. (جمالی زاده، ۱۳۸۶: ش ۹۶ و ۹۷/۲۲).

به نظر می‌رسد وحدت میان مسلمین به معنی نزدیک شدن فرقه‌های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آن‌هاست و این به معنی تحفظ بر اصول مشترک و آزاد گذاردن و معذور داشتن هر فرقه در فروع خاصه خود است. وحدت به معنی عدم نزاع و درگیری فرقه‌ها، با وجود اطلاع همگان از عقاید یکدیگر و حساسیت نشان ندادن در برابر فرقه دیگر نسبت به مختصات آن فرقه است. مسئله وحدت نیازمند بررسی فراوان و برنامه‌ریزی کامل از طرف فرهیختگان و اندیشمندان و روشنفکران اسلامی است؛ چرا که وحدت اسلامی نه خطابه است نه شعار؛ بلکه برنامه کاری فرهنگی، سیاسی، فقهی، اجتماعی و اخلاقی است. و لذا راه رسیدن به این هدف، علاوه بر تکیه کردن بر عقل و منطق و دوری گزیدن از احساسات زودگذر و تعصبات غیرقابل کنترل، توجه عمیق و ریشه‌ای به مسأله وحدت و معناشناسی دقیق آن از نگاه قرآن کریم است. از دیدگاه قرآن، وحدت‌گرایی دو جنبه اثباتی و سلبی دارد: جنبه اثباتی آن دعوت به وحدت و مؤلفه‌های اخلاقی و اجتماعی وحدت‌گرایی است. و جنبه سلبی آن پرهیز از تفرقه و اختلاف ناشی از خواهش‌های نفسانی و بی‌خردی و جهالت رفتاری است.

## ۲. مصادیق وحدت در قرآن

در معناشناسی، مصداق، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا مفاهیم انتزاعی از طریق شناخت مفاهیم عینی به دست می‌آیند (سجودی، ۱۳۸۱: ۱۲؛ مروتی، ۱۳۹۲: ش ۱۳۸/۱۷). آیات قرآن را از

جهت فراگیر بودن معانی آن‌ها بر مصادیق، می‌توان بر دو گونه تقسیم کرد: يك دسته از آیات، معنای فراگیر و عامی ندارند و به‌طور مشخص به موارد خاصی منطبق هستند. دسته دیگر، آیاتی هستند که معنایی عام و فراگیر دارند و افراد بسیاری را در بر می‌گیرند. مشخص کردن دایره افراد عام و رفع ابهام از موارد مبهم، نوعی تلاش برای تفسیر کردن آیات است. به عبارتی، خارج کردن آیات از حالت کلی و ابهام‌زدایی از آن‌ها، و منطبق کردن آن‌ها به امور خاص و واقعیت‌های هستی، حوادث، اقوام و انسان‌های مشخص را، تطبیق معانی بر مصادیق می‌گویند (مرادی، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

هم وحدت و هم بیداری اسلامی، از قسم دوم به‌شمار می‌آیند؛ و به عبارتی، دارای معنایی عام و فراگیر هستند؛ لذا از دو بخش مفهومی و مصداقی تشکیل شده‌اند که هر دو بخش نیازمند واکاوی در پشتوانه‌های معرفتی و البته مصادیق خویش دارد. به این معنا هر مفهومی که با آن روبه‌رو هستیم از آن جهت که مفهوم است، ریشه‌های مفهومی دارد و پشتوانه‌های معرفتی. و البته معطوف به مصادیقی است که جهان بیرونی را شامل می‌شود. بنابراین رابطه‌ای دو سویه بین مفهوم و مصداق برقرار است و برای ارزیابی هر مفهومی باید دید که آیا مفاهیم، حق مصداق را ادا می‌کنند؟ و آیا مصادیق مفهوم خود را اجرا می‌کنند یا نه؟

لذا لازم است به وجه اختلاف معنایی دو واژه «مفهوم» و «مصداق» توجه کنیم. در واقع «مفهوم» به معنای صورت ذهنی انتزاعی از حقیقت اشیا است و «مصداق» آن چیزی است که مفهوم بر آن منطبق می‌شود (شاکر، ۱۳۸۲: ۹۸). خداوند در قرآن کریم، به بیان مصادیقی از وحدت پرداخته است که عبارتند از: وحدت ادیان الهی، وحدت در هدف انبیاء، وحدت در امت، وحدت در وحی، وحدت در خلقت انسان، وحدت در محتوای کتب آسمانی و... در این پژوهش جهت تناسب محتوا با موضوع مورد بحث، به بررسی سه مصداق اول خواهیم پرداخت.

## ۱-۲. وحدت ادیان الهی

بحث وحدت ادیان الهی در قرآن از عمیق‌ترین مباحث این کتاب آسمانی است که به نظر می‌رسد نه تنها در بین اهل کتاب و غیر مسلمانان به‌درستی شناخته شده نیست؛ بلکه متأسفانه خود مسلمانان و اعضای جامعه بزرگ امت اسلامی نیز وجوه و ابعاد عمیق آن را که می‌تواند مایه اتحاد و هدایت کل جامعه بشری شود، به‌خوبی نمی‌شناسند. خداوند درباره لزوم وحدت

در دین انبیاء و عدم اختلاف و تناقض در آن‌ها می‌فرماید: شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ وَ ما وَصَّينا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسى وَ عيسى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبى إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدى إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (شورى/۱۳).

تورات، انجیل و قرآن؛ به‌عنوان معرف سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام، هر سه از آغاز و انجام جهان سخن گفته‌اند و آدمیان را به ترك لذت‌ها و شهوت‌های دنیا و عشق به زندگانی جهان آخرت تشویق کرده‌اند. همه آن‌ها مبدأ عالم و آفریننده جهان را خدا دانسته‌اند، هر چند با عبارت گوناگون و سخنان متفاوت؛ همه جهان مادی را جهانی بی‌اعتبار و فانی معرفی کرده‌اند، هر چند با ضعف و شدت متفاوت؛ همه زندگانی روحانی آدمی را جاویدان دانسته‌اند، هر چند با نشان دادن راه‌های گوناگون؛ همه به اخلاق و انسانیت احترام گذاشته‌اند، هر چند با ارائه وسایل مختلف؛ همه برای کارهای خوب و بد آدمیان که در این جهان انجام می‌دهند، پاداش و کیفر در جهانی دیگر معین کرده‌اند؛ هر چند با اختلاف و تفاوت آن پاداش‌ها و کیفرها (گواهی، ۱۳۷۹: ۱۲۰). بنابراین ماهیت این ادیان آسمانی واحد بوده است، و اختلاف عمده و تناقضی بین آن‌ها وجود نداشته است. آیه دیگری که تأییدکننده وحدت ادیان آسمانی است، این آیه شریفه است که می‌فرماید: قُولُوا ءامَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنزِلَ إِلَيْنا وَ ما أُنزِلَ إِلَيْ إِبْرَاهِيمَ وَ إسماعِيلَ وَ إسحاقَ وَ يعقوبَ وَ الْأَسباطِ وَ ما أوتى موسى وَ عيسى وَ ما أوتى النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (بقره/۱۳۶). در واقع وحدت و همبستگی‌ای که بین ادیان آسمانی برقرار است؛ معلول چند علت است که عبارتند از: وحدت یا یگانگی معبود، وحدت یا یگانگی در ایمان به پیامبران، و وحدت و یگانگی در ایمان به آخرت (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۲۵۴).

قصص قرآنی بر این مسئله تأکید می‌کنند که همه ادیان از سوی خداوند سبحانه و تعالی؛ آنچه اساس دین الهی که پیامبران متعدد آورده‌اند می‌باشند، يك پایه و يك اساس است، و بر سر آن هیچ‌يك از پیامبران با یکدیگر اختلاف به هم نرسانیده‌اند. لذا، دین خدا یکی است و منبع دین نیز یکی است. همه پیامبران يك امت واحد بوده‌اند که همین خدای یکتا را می‌پرستیده‌اند و مردمان را به‌سوی او فرا می‌خوانده‌اند. این هدف، یکی از اهداف اساسی قرآن کریم است. قرآن، از جمله اهداف والایش، نمایاندن پیوند میان اسلام حنیف و دیگر ادیان الهی است که دیگر انبیا و رسل، مردم را به‌سوی آن‌ها فرا خوانده‌اند؛ تا اسلام در میان ادیان الهی در جایگاه خاتمیت قرار گیرد (حکیم، ۱۳۸۵: ۳۷۲).



## ۲-۲. وحدت هدف و عقیده

در سوره بقره آیه ۲۸۵، آمده است: آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ، وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ، لَا نَفَرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ، وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا، غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ. این بیان روشن و موکد قرآن نشان می‌دهد که هیچ فرق اساسی و بنیادینی بین آحاد مجموعه عظیم رسولان الهی نیست و آنان همه برای یک هدف و پیام ارسال شده‌اند.

این موضوع در سوره احزاب آیه ۷ به زبان دیگری عنوان شده و وحدت پیامبران الهی در چارچوب اخذ میثاق خداوندی از جمله ایشان بیان شده است: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ، وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمُ مِيثَاقًا غَلِيظًا» که طبیعتاً عهد و پیمان الهی با پیامبران اولوالعزم مذکور شدیدتر بوده است.

دلیل دیگری که وحدت عقیده اصلی و اساسی پیامبران را، که در طول تاریخ متممادی دعوت توحیدی آنان و مبارزه پیگیر آنان با شرک، هدف محوری انبیا بوده است، نشان می‌دهد، و بازگو می‌کند که همه پیامبران به سوی خدای سبحان به عنوان خدایی یکتا که هیچ شریک در ملک و تدبیرش ندارد، دعوت می‌کرده‌اند؛ یک سلسله آیات از سوره مبارکه اعراف است که می‌فرمایند: لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ (اعراف/۵۹). وَ إِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ (اعراف/۶۵). وَ إِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ (اعراف/۷۳). وَ إِلَى قَوْمِ لُوطٍ أَخَاهُمْ لُوطًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ (اعراف/۸۵). بنابراین کاملاً آشکار است که بیدارگران حقیقی یعنی پیامبران الهی، در هدف و عقیده با یکدیگر متحد بوده‌اند. و این، بیانگر لزوم اتحاد هدف و عقیده در هر نهضت یا قیام انقلابی و بیداری اسلامی است.

## ۲-۳. وحدت امت

امت عنوانی است که در قرآن و سنت بر جامعه اسلامی نهاده شده و برحسب تعریفی که از آن ارائه شده مجموعه‌ای از افراد است که از تعارض و ستیزه‌جویی به دورند. در امت اسلامی، همگان در امور اجتماعی و سرنوشت خود شرکت دارند (جمالی‌زاده، ۱۳۸۶: ش ۹۶ و ۹۷/۱۷). به عبارت دیگر؛ کلمه "امة" به معنای جماعتی است که مقصد واحدی آن‌ها را جمع کرده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴/۴۵۶).

قرآن به بحث درباره امت واحد پیامبران الهی می‌پردازد و می‌فرماید: **إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً** (انبیاء / ۹۲). و در عین تبیین امت واحد، در آیات دیگری از قرآن کریم، دو نوع امت مطلوب و نامطلوب را برمی‌شمرد. از جمله این آیه شریفه: **وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَ مِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَ بَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَ السَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ** (اعراف / ۱۶۸) که ناظر بر هر دو نوع امت است.

راه جمع بین آیاتی که مردم را امتی واحد خوانده، با آیاتی که این ویژگی را از آنان نفی کرده است و آن‌ها را دارای اختلاف و تفرقه معرفی کرده است، با استفاده از آیه ۲۱۳ بقره و تفسیری که علامه طباطبایی از آن ارائه می‌دهد، آشکار می‌گردد. در این آیه می‌فرماید: **كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا تَبَيَّنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**.

انسان‌ها در اولین اجتماعاتی که تشکیل دادند يك امت به‌شمار می‌رفتند؛ آنگاه فطرت آنان را وادار کرد تا برای اختصاص دادن منافع به خود با یکدیگر اختلاف کنند، از اینجا احتیاج به وضع قوانین که اختلافات پدید آمده را برطرف سازد پیدا شد، و این قوانین لباس دین به خود گرفت، و مستلزم بشارت و انذار و ثواب و عقاب گردید، و برای اصلاح و تکمیلش لازم شد عباداتی در آن تشریح شود، و به‌منظور این کار پیامبرانی مبعوث شدند، و رفته‌رفته آن اختلاف‌ها در دین راه یافت، بر سر معارف دین و مبدأ و معادش اختلاف کردند و در نتیجه به وحدت دینی هم خلل وارد شد، شعبه‌ها و حزب‌ها پیدا شد، و به تبع اختلاف در دین، اختلاف‌هایی دیگر نیز در گرفت، و این اختلاف‌ها بعد از تشریح دین به‌جز دشمنی از خود مردم دیندار هیچ علت دیگری نداشت؛ چون دین برای حل اختلاف آمده بود، ولی يك عده از در ظلم و طغیان خود دین را هم با این که اصول و معارفش روشن بود و حجت را بر آنان تمام کرده بود مایه اختلاف کردند. پس در نتیجه اختلاف‌ها دو قسم شد؛ یکی اختلاف در دین که منشا آن ستمگری و طغیان بود، دیگری اختلافی که منشأش فطرت و غریزه بشری بود و اختلاف دومی که همان اختلاف در امر دنیا باشد، باعث تشریح دین شد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶۸/۲). بنابراین اساس دین محوری، بر پایه وحدت است. و اتحاد امت یا جوامع، امری ریشه‌دار بوده؛ هر چند بروز مجموعه‌ای از اختلافات و تفرقه‌ها در طول زمان ممکن است انسان‌ها را به‌صورت مقطعی از اتحاد دور نماید؛ اما به دلیل

اینکه وحدت امری فطری است و دین به آن توصیه کرده، هیچ‌گاه ارتباط انسان با آن به شکل کامل، گسسته و قطع نخواهد شد و همیشه در هر زمانی، بیدارگرانی با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی وجود خواهند داشت که این وحدت را در جامعه برقرار و نهادینه کنند.

### ۳. بیداری اسلامی و ارتباط متقابل آن با مصادیق وحدت

قبل از تبیین و تجزیه و تحلیل ارتباط بیداری اسلامی با مصادیق وحدت، ضروری است بیداری اسلامی را تعریف نماییم.

از لحاظ تجزیه مفهومی، بیداری ضد خواب و به معنای حیات و زندگی است و نیز به معنای فعال شدن هوش به کار می‌رود. واژه اسلامی به مفهوم تبعیت و پیروی از آموزه‌های برترین دین الهی یعنی اسلام است. از این رو بیداری اسلامی به حرکتی همگانی از امت مسلمانان اطلاق می‌شود که برای حضور همه‌جانبه اسلام در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی مسلمانان صورت می‌گیرد (یوسفی، ۱۳۹۲، سال دهم، شماره ۳۳، ص ۱۰). بیداری اسلامی، جریان بازگشت به اسلام ناب محمدی برای احیای تمدن اسلامی، شکل‌گیری حاکمیت سیاسی، عقلانیت، اخلاق، معنویت، قسط و عدالت است (فتحی، ۱۳۹۳، سال یازدهم، شماره ۳۶، ص ۷۶).

با مروری بر وقایعی که در جامعه جهانی رخ داده است و با در نظر گرفتن مصادیقی که از وحدت بیان گردید، با صراحت می‌توان ادعا نمود که یکی از مهم‌ترین منس‌های بیداری اسلامی نخستین، وحدت بوده است؛ اما در عصر حاضر، بیداری اسلامی سبب وحدت و منشاء آن گشته است. و دقیقاً به همین دلیل است که این مقاله قائل به ارتباط دو سویه بین دو عبارت فوق می‌باشد.

دیدگاه‌های اندیشمندان درباره رابطه بین وحدت و بیداری اسلامی از حیث کلیات تقریباً مشابه؛ اما از حیث جزئیات تا حدودی متفاوت است. به‌طور کلی کسی منکر وجود رابطه بین این دو نیست. ولی در چگونگی این رابطه اختلاف نظرهایی وجود دارد. به‌عنوان نمونه؛ سیدجمال‌الدین اسدآبادی، به‌عنوان کسی که در بیداری اسلامی دارای سهم بسزایی است؛ وحدت را بن‌مایه و اساس مبارزه سیاسی خویش قرار می‌دهد؛ اما در آرای امام خمینی (ره)، وحدت، جزئی مهم از مجموعه فکری ایشان را تشکیل می‌دهد. گرچه نظریه‌پردازی دو متفکر فوق، در باب وحدت، تحت تاثیر شرایط مختلف به‌ویژه شرایط سیاسی زمان و کیفیت مبارزه

سیاسی آنان بوده است؛ (کریمی، ۱۳۹۴، شماره ۱، ص ۶۹) با وجود این پژوهش مدعی است که رابطه بین وحدت و بیداری اسلامی از نوع تسلسل سبب و مسبب است. برای وضوح بیشتر به بحث مصادیق وحدت بر می‌گردیم.

به تصریح قرآن کریم، وحدت بین ادیان آسمانی یکی از مصادیق وحدت به‌شمار می‌رود. در این مصداق، و با تطبیق آن بر مسئله بیداری اسلامی در منطقه و جهان، می‌توان گفت که در اینجا بیداری اسلامی، سبب و منشاء وحدت در جامعه شده است. و به عبارت دیگر بیداری اسلامی مقدم، و وحدت؛ موخر است. اما در مصداق دوم؛ یعنی وحدت در هدف و عقیده؛ این نوع وحدت، سبب بیداری اسلامی گشته است. بنابراین در اینجا وحدت مقدم بر بیداری است. با این بیان، می‌توان گفت: جمال‌الدین اسدآبادی، وحدت را سبب و بیداری را مسبب می‌دانسته است و برخلاف ایشان، امام خمینی (ره)، قائل به ارتباط دو سویه بین آن‌ها بوده است؛ چرا که از یک سو؛ از نظر امام خمینی (ره)، بیداری در مقابل دشمن، آگاهی از توطئه‌ها و برنامه‌های تفرقه‌افکنانه آنان و برخورد قاطع و دندان‌شکن با آن‌ها، موجب اتحاد و همبستگی مسلمانان گشته است. به عنوان نمونه؛ موضع‌گیری امام با فتوای تاریخی و برخورد قاطع مبنی بر حکم ارتداد و اعلام حکم قتل سلمان رشدی که مورد اتفاق همه فرق مسلمانان است، باعث احیای اسلام و اتحاد مسلمانان در برابر دشمنان شد (همان، ص ۷۹). و از سوی دیگر؛ ترغیب و سفارش ایشان به وحدت؛ بالاخص وحدت بین شیعه و سنی و حتی بین مسلمانان با غیر مسلمانان نشان‌دهنده این است که وحدت را سببی برای بیداری اسلامی می‌دانند تا آنجا که همگان وی را به‌عنوان بزرگ‌ترین منادی وحدت اسلامی در جهان می‌شناسند.

امام خمینی (ره) به همه مصادیق وحدت در قرآن اذعان داشته و در جهت ایجاد وحدت و همبستگی بین تمامی مسلمانان و گاهی غیر مسلمانان تلاش بسیار نمودند تا از این طریق بیداری اسلامی را در سراسر جهان گسترش دهند. و از آنجایی که هدف اصلی ایشان بسط اسلام و آموزه‌های دینی بود؛ تمامی سخنان و اعمالشان برگرفته از آیات قرآن و احادیث معتبر معصومین (ع) بوده است. به‌عنوان نمونه مصداق اول وحدت در قرآن؛ وحدت بین ادیان آسمانی است. امام (ره) با در نظر گرفتن این مسئله؛ در پیامی که به مناسبت عید میلاد مسیح برای مسیحیان جهان فرستاد، با استناد به آیاتی از قرآن و انجیل به مشترکاتی از مسیحیت و اسلام تمسک کرد و آنان را به وحدت دعوت نمود. از جمله آیه ۸ سوره مانده از قرآن کریم: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا

قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد بر خیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک تر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. و آیاتی از انجیل متی: «خوشا به حال آنان که گرسنه و تشنه عدالت اند؛ از آن رو که سیر نخواهند شد» و «خوشا به حال آنان که از بهر عدالت زحمت می کشند؛ به سبب آنکه ملکوت آسمانی از آن آنهاست». همچنین پیام ایشان نیز بازگوکننده دعوت مسیحیان به وحدت و همبستگی به جهت اشتراکاتی که در بین ادیان آن‌ها و مسلمانان است و اینکه منشاء همه ادیان آسمانی یکی است، می باشد. ایشان ضمن بیان آیات فوق می فرماید: «عید سعید میلاد مسیح پیامبر عظیم‌الشان که برای طرفداری از مظلومان و برقراری عدل و رحمت مبعوث گشت و با گرفتار آسمانی و کردار ملکوتی خود، ظالمان و ستمکاران را محکوم و مظلومان و مستضعفان را پشتیبانی فرمود، بر ملت‌های مستضعف جهان و ملت مسیح و مسیحیان هم‌میهن مبارک باد. هان ای پدران کلیسا و روحانیان تابع حضرت عیسی، به پا خیزید و از مظلومان جهان و مستضعفان گرفتار در چنگال مستکبران پشتیبانی کنید و برای رضای خدا و پیروی از دستور حضرت مسیح یک بار ناقوس‌ها را در معابدتان به نفع مظلومان ایران و محکوم نمودن ستمگران به صدا درآوردید» (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۲۵، تاریخ ۱۳۵۶/۱۱/۲۴).

مصدق دوم؛ وحدت بین هدف و عقیده است. از آنجایی که هدف اصلی امام خمینی (ره)، ایجاد حکومت اسلامی بوده است؛ در سخنرانی‌ها و فتاوای خویش، شیعه و اهل سنت را به همبستگی و وحدت با یکدیگر دعوت و به مبارزه علیه عوامل تفرقه افکن توصیه می نمودند و همه این‌ها به خاطر اشتراک در هدف و عقیده که اسلامی کردن حکومت و جامعه است، می باشد. و دقیقاً به همین خاطر است که ایشان در پیامی که برای حجاج ایرانی می فرستند می فرماید: «لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرقه صفوف مسلمین است، احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهایی مخالف رویه اجتناب نمایند» (همان، ج ۸، ص ۴۸۱، تاریخ ۱۳۵۸/۴/۱۵). از نظر امام پرهیز از اختلاف و تمسک به وحدت و همبستگی مسلمانان به قدری اهمیت دارد که در فتوایی می فرماید: «در وقوفین متابعت از حکم قضات اهل سنت

لازم و مجزی است اگرچه قطع به خلاف داشته باشید». (همان، ج ۱۲، ص ۲۵۷). علاوه بر جهان اسلام، بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای جهان مستضعفان، با جهان اسلام مشترک است؛ خواسته‌هایی نظیر عدالت‌خواهی، آزادی‌طلبی، استقلال‌جویی، رهایی از سلطه جهان‌خواران و... بنابراین وحدت در هدف و عقیده، می‌تواند در جهان استضعاف و مظلومان نفوذ کند و همگرایی جهانی و بیداری جهانی را پدید آورد. آنچنان که از منظر امام (ره)، پیروزی نهایی، پیروزی بلاد مستضعفین بر مستکبرین است (همان، ج ۱۰، ص ۱۸۱). حتی نمایندگان سرخ‌پوستان آمریکایی در دیدار با امام (ره) اظهار داشتند: «پیروزی شما و رهبری شما و قیادت و عمق درک و بینش شما الهام‌بخش ماست و ما با آن در آمریکا پیروز خواهیم شد» (ایزدی، ۱۳۱، ص ۲۱۵).

مصدق سوم نیز که تحت عنوان کلی وحدت امت بیان گردید؛ قابل‌تعمیم به هرکدام از دو مصداق فوق نیز می‌باشد؛ فلذا از توضیحات بیشتر در این باره صرف نظر می‌کنیم.

با توجه به اهمیت و نقش متقابل و تاثیرگذار وحدت و بیداری اسلامی بر یکدیگر، حاکمان کشورهای اسلامی، هم براساس دین و فطرت و هم براساس خواسته ملت‌های مسلمان باید به احیای ارزش‌های دینی بپردازند و جامعه اسلامی را از یوغ اسارت استعمارگران بیرون آورده، عزت و کرامت بخشیده، در ترویج احکام قرآن و اسلام و وحدت بین مسلمانان بکوشند. بیداری امت اسلامی در تعیین سرنوشت و رهایی از ظلم و ستم و تلاش در به اجرا گذاشتن احکام اسلام، جهانیان را شگفت‌زده کرد. بیداری اسلامی پا را از مرزهای جغرافیایی کشورهای اسلامی فراتر گذاشته و در شرایط فعلی برای ملت‌های دیگر هم الگو قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که با اختناق سیاسی قدرت‌های بزرگ و غول تبلیغات گمراه‌کننده رسانه‌های جمعی، گروه‌های مردمی قابل توجهی از کشورهای بزرگ صنعتی و مدعی دموکراسی به‌پا خاستند و از نظام سرمایه‌داری و لیبرالیستی به ستوه آمده، اعلام موجودیت کرده، درصدد احقاق حقوقی هستند که از سوی اقلیت یک درصدی سرمایه‌داران چپاول می‌شود. بیداری اسلامی راهش را آغاز کرده و اینک در مسیری قرار گرفته است که خار و خاشاک را از سر راه خود بردارد و زمینه آزادی و دموکراسی واقعی را در کشورهای مختلف آماده سازد. گرچه راه طولانی بوده و پیمودن آن نیاز به مجاهده دارد؛ اما با توکل بر خداوند و وحدت و هماهنگی و هم‌دلی می‌توان به قله‌های بلند بیداری اسلامی دست یافت.

#### ۴. حوزه‌های معنایی وحدت در کاربرد قرآنی با استفاده از قاعده ایزتسو

اکثر واژگان قرآنی با جهان بینی خاصی که دارند، در حوزه‌ها و میدان‌های معناشناسی مختلفی قرار می‌گیرند که با یکدیگر مرتبطند و همدیگر را تکمیل می‌کنند. و سرانجام شبکه‌ای پیچیده و گسترده از مفاهیم را تشکیل می‌دهند. واژه «وحدت» نیز به دلیل تنوع مصادیقی که دارد، از این قاعده مستثنی نیست؛ بلکه با توجه به بافت و سیاق آیات مجاور این واژه و نیز الفاظ مترادفی که از لحاظ مفهومی تاحدودی قادر بر جاننشینی آن هستند؛ بررسی دو حیطه واژگان هم‌نشین و جانشین وحدت، ضرورت می‌یابد.

#### ۴-۱ - حوزه معنایی وحدت بر محور هم‌نشینی

مجموعه‌ای کلی از الگوهای معنادار در رابطه با وحدت را می‌توان با معناشناسی و تشخیص الفاظی که در مجاورت با هسته معنایی وحدت قرار دارند، دریافت.

#### هم‌نشینی وحدت و تسلیم (اسلام):

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (بقره/ ۱۳۶).

این آیه خطاب به مسلمین است که بگویند: ما به همه پیامبران ایمان داریم و به موسی و عیسی و شریعت آن‌ها نیز ایمان داریم؛ ولی یهودی و نصرانی که دین آن دو بزرگوار را ملعبه کرده‌اند، نیستیم. لفظ «احد» نیز در سیاق نفی، مفید عموم است؛ یعنی میان هیچ‌یک از آن‌ها فرقی قائل نیستیم و همه را پیامبر خدا می‌دانیم. این آیه جواب است به آنچه می‌گفتند: باید یهودی یا نصرانی بود (قرشی، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۵۶). «وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» یعنی: در برابر کلیه آنچه ذکر گردید تسلیم هستیم. فائده این آیه این است که خداوند در ضمن آن ما را امر فرموده است که به خدا و پیغمبران او و آنچه بر آن‌ها از کتب آسمانی و شرایع نازل گردیده است ایمان بیاوریم و ضمناً این آیه رویه کسانی را که میان پیغمبران الهی فرق گذاشتند و به بعضی ایمان آوردند و به برخی ایمان نیاوردند، مردود و محکوم ساخته است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۷۷/۲).

گفته شده که تسلیم به معنای اطاعت و انقیاد است (طریحی، ۱۳۷۵: ۸۴/۶). از هم‌نشینی دو واژه «وحدت» و «تسلیم»، این معنا به ذهن متبادر می‌گردد، که باید ارتباطی بین این دو واژه

برقرار باشد. به نظر می‌رسد که ارتباط آن‌ها از نوع لازم و ملزوم باشد. به عبارتی دیگر؛ برای ایجاد وحدت و اتحاد در امت و یا جامعه‌ای، باید روح تسلیم و فرمان‌پذیری در برابر حقایق و دستورات، در آن جامعه حکم‌فرما باشد تا بتوان به این هدف نائل شد.

### هم‌نشینی وحدت و ایمان:

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُقَرِّفُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ (نساء/ ۱۵۲). و آن کسانی که به خدا و پیغمبران او ایمان آوردند و بین یکی از ایشان در ایمان جدایی نینداختند؛ بلکه به تمام انبیاء ایمان آوردند. به زودی به آن گروه مؤمنان حقیقی اجرشان را عطا فرمائیم (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۲: ۶۳۳/۲). به نظر می‌رسد که از حیث معناشناسی، ارتباط این دو واژه از نوع علت و معلول باشد، اما نه علت تامه. بلکه بدین صورت که تشکیل و تداوم وحدت اسلامی، معلول و نتیجه ایمان راسخ به هدف است.

### هم‌نشینی وحدت و پرستش:

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (انبیاء/ ۹۲). طبرسی، امت در این آیه را به معنای دین دانسته است و لذا در تفسیر آیه فرموده‌اند: این دین شما یکی است. اصل امت، جماعتی است که در مسیر واحدی باشد. از این رو شریعت و دین را «امت واحده» خوانده است. زیرا پیروان یک دین، یک هدف دارند (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۶۱/۱۶). اما از دیدگاه علامه طباطبایی، امت در اینجا به معنای نوع انسانی است و لذا می‌فرماید: خطاب در آیه شریفه به طوری که سیاق به آن گواهی می‌دهد خطابی است عمومی، که تمامی افراد مکلف بشر را در بر می‌گیرد. و مراد از امت در اینجا نوع انسان است، که معلوم است نوع برای خود وحدتی دارد، و همه انسان‌ها در آن نوع واحدند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴/۴۵۶).

ایشان وجه هم‌نشینی دو واژه «وحدت» و «پرستش» را بدین گونه تبیین می‌نمایند: جمله «أُمَّةً وَاحِدَةً» اشاره به دلیل خطاب «فاعبدون» نموده است؛ برای این که نوع انسانی وقتی نوعی واحد، و امتی واحده و دارای هدف و مقصدی واحد باشد و آن هدف هم عبارت باشد از سعادت حیات انسانی، دیگر ممکن نیست غیر ربی واحد ارباب دیگری داشته باشد، چون ربوبیت و الوهیت منصب تشریفی و قراردادی نیست، تا انسان به اختیار خود هر که را و هر چه را خواست برای



خود رب قرار دهد، بلکه ربوبیت و الوهیت به معنای مبدئیت تکوین و تدبیر است، و چون همه انسان‌ها از اولین و آخرینشان یک نوع و یک موجودند، و نظامی هم که به‌منظور تدبیر امورش در او جریان دارد نظامی است واحد و متصل و مربوط که بعضی اجزا را به بعضی دیگر متصل می‌سازد، قهراً این نوع واحد و نظام واحد را جز مالک و مدبری واحد به‌وجود نیاورده است، و دیگر معنا ندارد که انسان‌ها در امر ربوبیت با هم اختلاف کنند و هر یک برای خود ربی اتخاذ کند غیر رب آن دیگری، و یا در عبادت راهی برود غیر آن راهی که دیگری سلوک می‌کند. پس انسان نوع واحد است و لازم است ربی واحد اتخاذ کند، و او ربی باشد که حقیقت ربوبیت را واجد باشد، و او خدای عز اسمه است (همان).

### هم‌نشینی وحدت و تقوایشگی:

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (مومنون/ ۵۲). در تفسیر این آیه آمده است که: اکنون که اصول و دعائم همه ملت‌ها یکی است و من هم پروردگار شمایم، پس از مخالفت با دین و دستور من برحذر باشید، والا به کیفر و پاداش آن خواهید رسید (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۳۳۹/۱۳). در این تفسیر، پرهیز کردن و برحذر نمودن به مخالفت با دین و اوامر خداوند نسبت داده شده است؛ اما در تفاسیر دیگر، این تقوا و پرهیز نمودن به اختلاف و تفرقه در دین نسبت داده شده است (عاملی، ۱۴۱۳: ۲/۳۶۲). اما با در نظر گرفتن سیاق آیه، آنچه صحیح‌تر و جامع‌تر به نظر می‌رسد؛ تقوا به معنای پرهیز از اختلاف و تفرقه در دین و بالاخص در وحدت است.

در این آیه، خداوند یک مقیاس اجتماعی را برای تمییز منافق از مومن ذکر نموده است. و آن مقیاس، وحدت ایمانی است. چرا که قرآن کریم جماعتی را که دارای وحدت باشند را مومن و تقوایشه نامیده و آنان را تأیید فرموده است؛ اما گروه‌هایی را که پراکنده و حزب‌حزب شده‌اند را باطل و سخیف می‌داند. و این به این دلیل است که مومنین بر یک کلمه واحد که توحید است، اتفاق دارند؛ و «تقوا» محور مشترک و صبغه اعمال و زندگی‌شان می‌باشد (مدرسی، ۱۴۱۹: ۸/۱۹۲). این تفسیری که ارائه شد، بیانگر این مسئله است که تقوا از لوازم ایمان و ایمان از لوازم علل وحدت به‌شمار می‌آید. بنابراین در معناشناسی وحدت، توجه به کلمات و واژگان هم‌نشین، سبب می‌گردد که دید روشن‌تر و وسیع‌تری از آن عبارت ترسیم گردد. و به عبارتی با توجه به سیاق آیات، برای آن لفظ، لباسی نو در قالب خود آیات پوشانده می‌شود.

## هم‌نشینی وحدت با اقامه دین:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ (شوری/۱۳).

لفظ «الدین» بر طریق به‌سوی خدا اطلاق می‌شود، راه به‌سوی خدا از نظر تکوین ولایت تکوینی و از جهت تکلیف ولایت تکلیفی است. نیز لفظ «دین» بر اعمالی اطلاق می‌شود که سالک را در سیرش کمک می‌کند و لذا ملت نیز دین نامیده شده است. و اقامه نمودن و به‌پا داشتن دین بدین‌گونه است که هر مرتبه‌ای از راه و طریق به مرتبه دیگر وصل شود و اعمال هر مرتبه به اعمال مرتبه دیگر متصل گردد، نظیر اقامه و به‌پاداشتن نماز. وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ؛ در دین متفرق و پراکنده نشوید. یعنی در اعمالی که لازمه راه و طریق است، یا در خود طریق متفرق نشوید، بدین‌گونه که هر یک عمل و طریقی را اختیار کند که مغایر با عمل و راه دیگری باشد، یا مقصود این است که چنین نباشد که هر یک راه‌های متعدد و عمل‌های مختلفی انجام دهید، یا هر یک در عمل خویش هواهای نفسانی متعدد و غرض‌های فراوانی داشته باشد (گنابادی، ۱۴۰۸: ۵۱/۱۳).

در تفسیر دیگری که از این آیه شده است، آمده: معنای "اقامه دین" حفظ آن است یعنی اینکه پیروی‌اش کنند و به احکامش عمل نمایند، و الف و لام در کلمه "الدین" الف و لام عهد است، یعنی آنچه به همه انبیا نامبرده، وصیت و وحی کرده بودیم این بود که از این دینی که برای شما تشریح شده پیروی کنید، و در آن تفرقه ننمایید، و وحدت آن را حفظ نموده، در آن اختلاف نکنید. در نتیجه بر همه مردم واجب است دین خدا را به‌طور کامل به‌پا دارند، و در انجام این وظیفه تبعیض قائل نشوند، که پاره‌ای از احکام دین را به‌پا بدارند، و پاره‌ای را رها کنند. و اقامه کردن دین عبارت است از این‌که به تمامی آنچه که خدا نازل کرده و عمل بدان را واجب نموده ایمان بیاورند. و مجموع شریعی که خدا بر انبیا نازل کرده یک دین است که باید اقامه شود، و در آن ایجاد تفرقه نکنند. پس با این بیان روشن گردید که امر به اقامه دین و تفرقه نکردن در آن، در جمله "أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ" به اطلاقش باقی است، و شامل همه مردم در همه زمان‌ها می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۰/۱۸). بنابراین عطف جمله "وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ" به عبارت "أَقِيمُوا الدِّينَ"، این نکته را می‌رساند که عدم تفرقه در دین و وحدت و اتحاد داشتن در آن، همان اقامه دین است. و لذا در باب معناشناسی وحدت، روشن شد که قید اقامه دین نیز باید در مفهوم آن جای داده شود.

## ۴-۲- حوزه معنایی وحدت بر محور جانیشینی

امروزه در معناشناسی، دانشمندان به ترادف مطلق در میان واژه‌ها اعتقاد ندارند (صفوی، ۱۳۶۰: ۱۱۵). و برآنند که در واقع هر واژه و عبارتی به معنی دقیق کلمه، منحصر به فرد است و هرگونه تغییر خرد و درشت در وضع و ساختار آن، هر چند ظاهراً از باب ترادف و همگونی باشد، به نوعی و کم و بیش، موجب تفاوتی در معنی خواهد بود. مسلمانان این موضوع را در کتاب آسمانی خویش، در حدی به غایت اعجاز آمیز و خارق العاده یافته‌اند؛ چرا که گزینش واژگان و تعابیر در قرآن بسیار باریک بینانه، و کلمات و عبارات آن بی‌بدیل و جانشین ناپذیر است (فراستخواه، ۱۳۷۶: ۲۲۳ و ۲۲۴). اما به دلیل این که مترادف‌ها در یک واژگان می‌توانند بینش‌های باارزشی را درباره روابط جانیشینی یک واژه با دیگر واژگان به دست دهند، و با در نظر گرفتن این نکته که اقلام واژگانی به شرطی مترادف دانسته می‌شوند که باعث تغییر عمده در معنا نشوند (ایزتسو، ۱۳۶۱: ۱۶۹)؛ در این بخش به بررسی واژگانی که به صورت نسبی؛ و نه مطلق، قادر بر جانیشینی واژه وحدت هستند، می‌پردازیم.

## جانیشینی «اعتصام به جبل» با وحدت:

وَ اَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران/۱۰۳).

درباره این که منظور از «حبل الله» چیست، چند قول وجود دارد: الف) در تمسک به عهد و پیمانی که خداوند با بندگانش دارد که همان ایمان و بندگی است، اجتماع کنید. ب) منظور، قرآن است. ج) مقصود ائمه علیهم السلام هستند. د) مراد، دین اسلام است. طبرسی در ادامه می‌فرماید: بهتر است که آیه را به همه این معانی حمل کنیم. وَلَا تَفَرَّقُوا: یعنی پراکنده نشوید از دین خدا که در آن با اجتماع و ائتلاف بر طاعت حق مأمور گشته‌اید و بر آن ثابت بمانید. (از ابن مسعود و قتاده) و گفته‌اند: یعنی از گرد پیغمبر اکرم «ص» پراکنده مشوید (از حسن) و گفته‌اند: یعنی از قرآن جدا مشوید یعنی عمل به آن را ترک نکنید (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱/۴۶۳؛ همان، ۱۳۶۰: ۴/۱۸۹).

بنابراین حبل را به هر کدام از معنای حمل کنیم؛ می‌توان از آن استفاده نمود که اعتصام و چنگ زدن به آن، در واقع دستور به حفظ وحدت را می‌طلبد؛ گرچه مطابق با هر تعریفی که از

حبل ارائه شد، گستره وحدت و مصادیق آن متفاوت می‌گردد.

نکته دیگری که در این آیه نهفته است آن است که؛ اعتصام به حبل را هم می‌توان از جمله واژگان جانشین وحدت دانست -به دلیل اینکه معنای وحدت در چنگ زدن به ریسمان الهی نهفته است- . و هم می‌توان آن را از واژگان هم‌نشین وحدت به‌شمار آورد -به دلیل قرارگیری آن در کنار عبارت لا تفرقوا-.

### جانشینی «امت وسط» با وحدت:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ (بقره/۱۴۳). خداوند در این آیه، امت اسلام را امتی وسط معرفی نموده است، یعنی برای آنان دینی قرار داد، که متدینین به‌واسطه آن دین، آنان را به‌سوی راه وسط و میانه هدایت می‌کند، راهی که نه افراط آن طرف را دارد، و نه تفریط این طرف را، بلکه راهی که هر دو طرف را تقویت می‌کند، هم جانب جسم را، و هم جانب روح را؛ البته به‌طوری که در تقویت جسم از جانب روح عقب نمانند، و در تقویت روح از جانب جسم عقب نمانند؛ بلکه میانه هر دو فضیلت جمع کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۸۲/۱).

در این آیه خداوند امت اسلام را امتی وسط معرفی می‌نماید، اما همان‌طور که گذشت، خداوند در آیات دیگری از قبیل آیه **وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (مومنون/۵۲)**، امت اسلام را امتی واحده و دارای اتحاد، انسجام و وحدت ذکر می‌کند؛ بنابراین با قرار دادن این آیات در جنب یکدیگر، می‌توان استنباط نمود که این امت اسلامی، هم امتی است که وسط خوانده شده و هم امتی است که به وصف وحدت معرفی شده است؛ و لذا می‌توان یک نوع مترادف نسبی را بین دو واژه وسط و وحدت، را با توجه به آیات فوق قائل شد. و همین مسئله قائل شدن مترادف در میان این واژگان تبعات فراتری را در بر دارد، چرا که در حوزه معنانشناسی، مفهوم وحدت گسترش یافته و به تبع آن مصادیق وحدت نیز متفاوت خواهند گشت.

### جانشینی کلمه با وحدت:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ (آل عمران/۶۴).

خطاب در این آیه به عموم اهل کتاب است و دعوت این آیه، در حقیقت دعوت به این است

که همه بر معنای يك کلمه متفق و مجتمع شویم، به این معنا که بر مبنای آن کلمه واحده عمل کنیم و اگر نسبت را به خود کلمه داده، برای این بوده که بفهماند کلمه نامبرده چیزی است که همه از آن دم می‌زنند و بر سر همه زبان‌ها است. در بین خود ما مردم هم معمول است که می‌گوییم: مردم در این تصمیم يك دل و يك زبانند، و این می‌فهماند که در اعتقاد و اعتراف و نشر و اشاعه آن همه متحدند، در نتیجه معنای آیه مورد بحث چنین می‌شود: بیائید همه به این کلمه چنگ بزنیم و در نشر و عمل به لوازم آن دست به دست هم دهیم. و کلمه "سواء" در اصل مصدر است، ولی در معنای صفت یعنی "متساوی الطرفین" نیز استعمال می‌شود، و معنای جمله: "سَوَاءٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ" این است که کلمه مذکور، کلمه‌ای است که تمسک بدان و عمل به لوازمش بین ما و شما مساوی است و همه ما باید به آن تمسک جویم و بنا بر این توصیف کلمه به صفت "سواء"، در حقیقت توصیف به حال خود کلمه نیست؛ بلکه توصیف به حال متعلق آن است که همان تمسک و عمل است، و توجه کردید که عمل مربوط به معنای کلمه است نه خود آن، همچنان‌که جمع شدن نیز جمع شدن بر معنای کلمه است نه خود آن، و این جمله خالی از عنایتی مجازی نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳/۳۹۰).

آیه دیگری که این تفسیر را تأیید می‌نماید، آیه ۱۹ سوره مبارکه یونس است که می‌فرماید: وَ مَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (یونس/۱۹).

نتیجه این‌که در قرآن کریم در برخی موارد که به وحدت دعوت نموده است، به جای لفظ وحدت از لفظ "کلمه" استفاده نموده است؛ که دلیل جانشینی آن نیز به کارگیری نکات دقیق‌تر و اضافه‌ای است که در تفسیر علامه به آن اشاره شد.

### جانشینی صراط با وحدت:

وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (انعام/۱۵۳).

مقصود اصلی از آیه مورد بحث این است که بفرماید: شما از راه خدا متفرق نشوید و در آن اختلاف راه نیاندازید. و بنا بر این، سیاق این آیه شریفه أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ (شوری/۱۳) است. پس اگر بعد از گفتن اینکه این وصایا صراط مستقیم من است و اختصاص به

دین معینی ندارد، مجدداً امر کرد به اقامه دین، در حقیقت خواست تا زمینه کلام را برای نهی از تفرقه در دین فراهم سازد. بنابراین، معنای آیه چنین می‌شود: علاوه بر محرمانی که گفته شد یکی دیگر از محرمان این است که این صراط را که اختلاف و تخلف‌پذیر نیست واگذاشته و راه‌های دیگر را پیروی کنید، چون این عمل شما را از راه خدا متفرق می‌سازد و در میان شما ایجاد اختلاف می‌نماید، و سرانجام باعث می‌شود که از صراط مستقیم خدا یکسره بیرون شوید. و مقتضای ظاهر سیاق این است که مقصود از: "صراطی - راه من" صراط رسول خدا و دین او باشد، چون آن جناب است که مامور شده این تکالیف را به مردم برساند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۲۰/۷).

در این آیه، برای "راه و طریق" دو لفظ را ذکر نموده است؛ یکی صراط و دیگری السبل. آنچه قرآن کریم به آن امر می‌کند، تبعیت و پیروی از صراط است، و آن یک راه بیش‌تر نیست. اما قرآن کریم مردم را از پیروی و دنباله‌روی از السبل نهی می‌کند؛ به دلیل این‌که لفظ سبل در بردارنده چند راه و طریق است که با یکدیگر تفاوت و گاهی تناقض دارند. بنابراین به‌طور ضمنی و نه مستقیم، می‌توان ادعا نمود که مفهوم صراطی که خداوند به آن امر نموده، وحدت است؛ چرا که در مقابل آن، از تفرق و پراکندگی راه‌ها نهی نموده است. و لذا صراط را می‌توان به‌عنوان یکی از واژه‌های جانشین وحدت به کار برد.

## ۵. ارتباط بیداری اسلامی با دو حوزه معنایی وحدت

دو حوزه معنایی واژگان هم‌نشین و جانشین با واژه وحدت را به دو گونه می‌توان با مفهوم وحدت پیوند داد:

نخست اینکه؛ معانی واژگان هم‌نشین و جانشین وحدت را از جمله معنای فرعی وحدت به‌شمار آوریم. بدین‌گونه که با استفاده از قاعده جانشینی واژگان می‌توان از معنای فرعی وحدت، به اعتصام به جبل، اوسط و میانه بودن، کلمه، دین، و صراط اشاره نمود. همچنین با استفاده از سیاق آیات و الفاظ مجاور واژه وحدت، به نزدیکی معنایی واژگان هم‌نشین، از قبیل تسلیم، ایمان، پرستش و عبادت، اقامه دین و تقوای پیشگی اشاره نمود؛

و دوم اینکه؛ از آنجایی که واژگان هم‌نشین و جانشین، دارای ارتباطی عمیق و ناگسستگی با واژه وحدت هستند، هر کدام از آن‌ها را به‌عنوان ویژگی، خصیصه و یا شاخصی از شاخص‌های جداناپذیر وحدت اسلامی به‌شمار آوریم. به‌گونه‌ای که اگر جوامع کنونی، این ملاک و معیارها

را مدنظر داشته باشند و به آن پایبند باشند، از وحدتی همه جانبه و مورد تأیید قرآن کریم و اسلام عزیز برخوردار خواهند بود.

جهت تبیین بهتر ارتباط بیداری اسلامی با حوزه‌های معنایی وحدت در قرآن کریم ضروری است گفته شود:

مسلم است که یکی از معانی بیداری اسلامی در قرآن کریم، با فریضه امر به معروف و نهی از منکر مطابق است؛ چرا که امر به معروف و نهی از منکر در سطح فردی یک نوع آگاهی بخشی و بیداری در مسائل شرعی است و در سطح اجتماعی و کلان نیز بیداری اسلامی و خیزش اسلامی را به دنبال دارد. حال قرآن کریم در این باره می‌فرماید: *كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ* (آل عمران/۱۱۰). علامه طباطبایی و بسیاری دیگر از مفسرین در تفسیر این آیه معتقدند که مراد از ایمان در خصوص مقام، ایمان به دعوتی است که خدای تعالی در آیه قبل کرد و ایشان را به اجتماع و اتحاد در چنگ آویختن به جبل‌الله خواند، و اینکه در وظیفه متفرق نشوند در مقابل کفر اهل کتاب که جمله *"أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ..."* به آن اشاره دارد. و همچنین مراد از ایمان اهل کتاب هم ایمان به همین دستور چنگ آویختن است، در نتیجه برگشت معنای آیه به این می‌شود که شما گروه مسلمانان در ابتدای تکیه و پیدایش تان برای مردم بهترین امت بودید. چون امر به معروف و نهی از منکر می‌کردید و می‌کنید و با اتفاق کلمه و در کمال اتحاد به جبل‌الله چنگ می‌زنید. و عیناً مانند تن واحدی هستید، اگر اهل کتاب هم مثل شما چنین وضعی را می‌داشتند برایشان بهتر بود. ولی چنین نبودند بلکه اختلاف کردند. بعضی ایمان آورده و بیشترشان فسق ورزیدند (ترجمه المیزان، ج ۳، ص: ۵۸۴). و لذا این آیه بیانگر این نکته عمیق است که همواره باید از طریق دعوت به خیر و صلاح و امر به معروف و نهی از منکر و یا به عبارت دیگر؛ از طریق بیداری اسلامی، این وحدت محفوظ بماند.

این مسئله در بیانات امام خمینی (ره) نیز وجود دارد. آنجایی که می‌فرماید: «بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی [و بیداری اسلامی]، همان رمز پیروزی است. و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی، و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۷).

بنابراین قرآن کریم به عنوان منادی حقیقی بیداری اسلامی، حفظ و برقراری وحدت را در سایه ایجاد بیداری اسلامی می‌داند. حال آنکه باور امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی و یکی از تاثیرگذارترین رهبران بیداری اسلامی، بر این است که حفظ و بقای بیداری اسلامی در سایه وحدت اسلامی امکان‌پذیر خواهد بود. البته به نظر نمی‌رسد که بین دو فرموده فوق منافاتی وجود داشته باشد؛ بلکه هر دو تکمیل‌کننده هم بوده و بیانگر این نکته هستند که رابطه بین وحدت و بیداری اسلامی آنچنان به هم آمیخته‌اند که وجود یکی متوقف بر وجود دیگری است.

و چون حفظ وحدت متوقف بر ایجاد بیداری اسلامی در جامعه شده است و بالعکس؛ پس باید شاخص‌های بیداری اسلامی با تمامی شاخص‌های وحدت اسلامی متناسب و هماهنگ و منطبق باشد؛ وگرنه در صورت عدم تناسب آن‌ها با یکدیگر و یا تضاد بین آن‌ها؛ نمی‌توان از طریق بیداری اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر، وحدت در جامعه را حفظ و تقویت کرد. و درست به دلیل همین رابطه بین وحدت و بیداری است که باید ادعا نمود: تمامی واژگان هم‌نشین و جانشین وحدت در قرآن کریم، از آنجایی که بیانگر شاخصی از شاخص‌های وحدت هستند، باید در شاخص‌های بیداری اسلامی نیز مدنظر قرار گرفته شوند؛ چرا که هر دو آن‌ها در یک راستا و یک مسیر واقع‌اند. و لازمه هم‌راستا و هم‌مسیر بودن؛ وجود تناسب بین آن‌ها و عدم تناقض و تضاد و حتی تفاوت قابل ملاحظه آن دو با هم است.

بنابراین با در نظر گرفتن ارتباط مفهومی بیداری اسلامی با دو حوزه معنایی وحدت باید گفت: اعتصام به جبل، اعتدال‌گرایی، بر صراط مستقیم بودن، پابندی به دین و اقامه آن، تسلیم فرامین الهی و اسلام بودن، ایمان، پرستش خدا، عبادت و تقوا پیشگی از الزامات و شاخص‌های اصلی قیام‌های اسلامی و بیداری اسلامی به‌شمار می‌روند. و به هر اندازه این ویژگی‌ها و عوامل، نادیده گرفته شوند و یا در عمل به آن‌ها، قصور صورت گیرد؛ به همان اندازه از رسیدن به اهداف بیداری اسلامی کاسته می‌شود. چرا که بیداری اسلامی باید در عمل، کمال‌جویی و خداخواهی خویش را نشان دهد و تمامی شاخص‌هایی را که ما برای وحدت و بیداری اسلامی برشمردیم، همگی در جهت رسیدن به کمال و قرب الهی سیر می‌کنند.



## نتیجه گیری

با بررسی و تحلیل معناشناسی واژه وحدت روشن شد که برخلاف معنای لغوی آن که عبارت است از: یکی شدن، گرایش و تمایل به یکدیگر و همبستگی قوم؛ این واژه دارای گستره معنایی بسیار وسیع تری است. در واقع می توان نزدیک شدن فرقه های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آن ها را از معناهای حقیقی وحدت به شمار آورد.

برای بررسی دقیق تر معناشناسی وحدت، به تبیین مصادیق آن با بهره گیری از آیات قرآن کریم پرداخته شد که از جمله این مصادیق می توان به وحدت در ادیان آسمانی، وحدت در هدف از ارسال انبیاء و رسولان، و وحدت در امت اشاره نمود. ارتباط بیداری اسلامی با هر کدام از مصادیق فوق؛ آنگاه کاملاً آشکار می گردد که ارتباط وحدت و بیداری اسلامی را ارتباطی دو سویه و دوطرفه دانست نه یک جانبه؛ به این صورت که گاه بیداری اسلامی سبب بروز و حفظ وحدت در جامعه می گردد و گاه وحدت، بیداری اسلامی را رقم می زند. به طور کلی و با توجه به آیات قرآن و بیانات امام خمینی (ره)؛ وحدت در هدف و عقیده مسبوق بر بیداری اسلامی است؛ اما وحدت در ادیان آسمانی می تواند از نتایج و ثمرات بیداری اسلامی به شمار رود.

نکته دیگری که این پژوهش بدان دست یافت آن است که گرچه نمی توان به وجود مترادف مطلق در واژگان قرآن کریم اعتقاد داشت و نمی توان واژگان جانشین و هم نشین با واژه وحدت - از جمله اقامه دین، اعتصام به حبل و... - را دقیقاً مترادف با واژه وحدت دانست؛ اما باید توجه داشت که هر کدام از این الفاظ، شأنی از شئون وحدت و وجهی از وجوه آن را تبیین می نمایند و در روشن سازی گستره وحدت تاثیر بسزایی دارند. بنابراین هر کدام از واژگان در دو حوزه معنایی را می توان یا از معناهای فرعی - در مقابل حقیقی - وحدت به شمار آورد و یا آن ها را از ویژگی ها و شاخص های بارز وحدت در قرآن کریم عنوان کرد. که البته مورد دوم مناسب تر به نظر می رسد. نتیجه آنکه ارتباط مفهومی بیداری اسلامی با دو حوزه معنایی واژگان هم نشین و جانشین با واژه وحدت آنگاه آشکار می گردد که به ارتباط دو سویه و تنگاتنگ بین آن دو قائل بوده و آن ها را لازم و ملزوم یکدیگر بدانیم. و لذا به دلیل موازی بودن جهت، مسیر و هدف آن دو؛ باید از یک سری خط مشی ها و شاخص های هماهنگ و هم راستا برخوردار باشند. به همین دلیل و با استناد به آیات شریفه قرآن کریم؛ اعتصام به حبل، اعتدال گرایی، بر صراط مستقیم بودن، پایبندی به دین و اقامه آن، تسلیم فرامین الهی و اسلام بودن، ایمان، پرستش خدا، عبادت و تقوای پیشگی

از الزامات و شاخص‌های اصلی وحدت اسلامی، قیام‌های اسلامی و بیداری اسلامی به‌شمار می‌روند.

از آنجایی که وحدت و بیداری اسلامی هر دو از مسائلی روز جهانی محسوب می‌شوند. پیشنهاد می‌شود که نمایان وحدت و بیدارگران اسلامی، جامع‌نگر و جامعه‌نگر بوده و برای ارزش‌های اسلامی بیش از پیش اصالت قائل شده و ضمن ایجاد وحدت رویه درون دینی، در سطح فرادینی، برای تقویت روابط و وحدت بین‌المللی، بر عناصر مشترک دینی تکیه کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آصفی، محمد مهدی، (۱۳۸۶)، مقالات اندیشه‌ای طرح وحدت اسلامی؛ مجله اندیشه تقریب؛ شماره ۱۲، ص ۱۸.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، چاپ سوم؛ بیروت: دار صادر.
۴. ایزتسو، توشی هیکو، (۱۳۶۱)، ساختمان مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، (فریدون بدره‌ای)، تهران: قلم.
۵. ایزدی، مصطفی، (۱۳۶۱)، یادنامه شهید محمد منتظری (مجموعه گفتارها)، تهران: انتشارات و تبلیغات فرهنگ انقلاب اسلامی.
۶. بستانی، فود افرام، (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، (رضا مهیار)، چاپ دوم؛ تهران: انتشارات اسلامی.
۷. پالمر، فرانک، (۱۳۶۶)، نگاهی تازه به معناشناسی، (کوروش صفوی)، تهران: مرکز نشر.
۸. جمالی زاده، احمد، (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی اخلاقی وحدت در سیره نبوی؛ مجله مشکوه، شماره ۹۶ و ۹۷، ص ۲۲.
۹. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۲)، تفسیر اثنا عشری، چاپ اول، تهران: میقات.
۱۰. حکیم، محمد باقر، (۱۳۸۵)، علوم قرآنی، (محمد علی لسانی فشارکی)، چاپ اول؛ تهران: تبیان.
۱۱. خامه‌گر، محمد، (۱۳۸۶)، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۲. خمینی، روح الله، (۱۳۶۹)، صحیفه نور، تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۸)، صحیفه انقلاب، قم: دفتر حوزه علمیه قم.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، (غلامرضا خسروی حسینی)، چاپ دوم؛ تهران: مرتضوی.
۱۵. ربانی گلپایگانی، محمد علی، (۱۳۵۸)، وحدت وحدت وحدت؛ مجله پیام اسلام؛ شماره ۸، ص ۶۹.

۱۶. سجودی، فرزانه، (۱۳۸۱)، معنا و نامعنا، تهران: خانه کتاب.
۱۷. سعیدی روشن، محمداقرا، (۱۳۸۳)، تحلیل زبان قرآن، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
۱۸. سلیمانی، فاطمه، (۱۳۸۶)، منادیان وحدت قرآنی؛ مجله کوثر، شماره ۲۶، ص ۹۴.
۱۹. شاکر، محمد کاظم، (۱۳۸۲)، مبانی و روش‌های تفسیری، چاپ اول؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمداقرا موسوی همدانی، چاپ پنجم؛ قم: دفتر نشر تبلیغات اسلامی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (رضا ستوده)، چاپ اول، تهران: انتشارات فراهانی.
۲۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، چاپ اول؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۳. طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، (احمد حسینی)، چاپ سوم؛ تهران: مرتضوی.
۲۴. عاملی، علی بن حسین، (۱۴۱۳)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، چاپ اول؛ قم: دار القرآن الکریم.
۲۵. فتحی، یوسف، (۱۳۹۳)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، نسبت صدور انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی از منظر امام خمینی، سال یازدهم، شماره ۳۶.
۲۶. فراستخواه، مقصود، (۱۳۷۶)، زبان قرآن، چاپ اول؛ تهران: علمی و فرهنگی.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، کتاب العین، چاپ دوم؛ قم: انتشارات هجرت.
۲۸. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم؛ تهران: بنیاد بعثت.
۲۹. قرضاوی، یوسف، (۱۳۸۲)، قرآن منشور زندگی، (عبدالعزیز سلیمی)، چاپ اول؛ تهران: احسان.
۳۰. کریمی علی رضا، محمد افسری راد، (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی اندیشه بیداری اسلامی (مساله وحدت) در آراء سیدجمال الدین اسدآبادی و امام خمینی، فصلنامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز، سال یکم، شماره ۱.

۳۱. گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸)، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، چاپ دوم؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۲. گواهی، عبدالرحیم، (۱۳۷۹)، درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، چاپ دوم؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۳. مدرسی، محمد تقی، (۱۴۱۹)، من هدی القرآن، چاپ اول؛ تهران: دار محبی الحسین.
۳۴. مرادی، محمد، (۱۳۸۲)، امام علی (ع) و قرآن، چاپ اول؛ تهران: هستی نما.
۳۵. مروتی، سهراب و سارا ساکی، (۱۳۹۲)، معناشناسی واژه ذکر در قرآن کریم؛ فصلنامه علمی پژوهشی آموزه‌های قرآنی؛ مشهد، شماره ۱۷.
۳۶. مختار عمر، احمد، (۱۳۸۵)، معناشناسی، (حسین سیدی)، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۳۷. مطهری، مرتضی، (بی تا)، صهیونیسم دشمن وحدت مسلمین؛ کتاب وحدت، بی جا: بی نا.
۳۸. نجفی خمینی، محمد جواد، (۱۳۹۸)، تفسیر آسان، چاپ اول؛ تهران: انتشارات اسلامی.
۳۹. یوسفی، محمد رضا، محمد علی رضایی اصفهانی، (۱۳۹۲)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، اهداف بیداری اسلامی از منظر قرآن کریم، سال دهم، شماره ۳۳.

# پیرام اسلامی

پیشگیان اسلام انسانی و مطالعات فرہنگی  
بزمال علم اسلامی انسانی